

فرشتگان و شیاطین

تا مادامی که روی زمین زندگی می کنیم، چه بخواهیم چه نخواهیم، درگیر یک جنگ هستیم یک کشمکش پیوسته و دائمی بین خوبی و شرارت وجود دارد، بین اراده خدا و اراده شرارت آمیز شیطان، وقتی ما به دنیای مادی به چشم حقارت نگاه کنیم، غلبه کردن بر این کشمکش آسان است ولی ممکن است این کشمکش در زندگی ایمانداران اتفاق بیافتد.

یعقوب ۱: ۱۷

از جانب خدا فقط مواهب نیکو و کامل به ما می رسد زیرا او آفریننده همه روشنایی هاست و خدایی است تغییر ناپذیر.

خدا تنها سرمنشا خوبی هاست. هر قدر بیشتر سعی کنید که خدا را بشناسید، بیشتر درک می کنید که او چقدر خوب است. بطور همزمان ما درک می کنیم که یک دشمن در این میان وجود دارد که سعی می کند خوبی هایی را که خدا می خواهد برای ما انجام دهد، خراب کرده و از بین ببرد.

یوحنا ۱۰: ۱۰

کار دزد این است که بدزدد، بکشد و نابود کند؛ اما من آمده ام تا به شما حیات واقعی را به فراوانی عطا نمایم.

البته لازم است که ما از نقشه های دشمن و نیز سلاحهایی که برای جنگ با ما استفاده می کند آگاهی داشته باشیم.

دوم قرن تیان ۲: ۱۱

دلیل دیگری که سبب می شود این شخص را ببخشیم، اینست که نباید بگذاریم شیطان از این فرصت بهره برداری کند، چون همگی از حيله های او آگاهیم.

اول پطرس ۵: ۸-۹

^۸ هشیار و مراقب باشید، زیرا دشمن شما، شیطان، همچون شیری گرسنه، غران به هر سو می گردد تا طعمه ای بیابد و آن را بلعد.

^۹ پس در برابر حملات او، به خداوند تکیه کنید و استوار بایستید بدانید که این زحمات فقط به سراغ شما نیامده، بلکه مسیحیان در تمام دنیا با چنین مصائبی مواجه می باشند.

کلام خدا به ما می گوید که هشیار و بیدار باشیم.

یک روش برای هشیار و بیدار بودن داشتن دانش درباره تفکرات دشمن، نقاط ضعف آن، منشا آن و هدفش می باشد.

اگر ما از این دانش درباره شیطان و نقشه هایش برخوردار نباشیم، گمراه می شویم و حتی باور می کنیم که شرارت ناشی از شیطان از خدا منشا می گیرد.

سپس تردید و ناباوری در فکر ما نفوذ می کند و تصور می کنیم که خدا تنها منشا خوبی ها نیست. همین امر باعث می شود که ما در زندگی روزمره مان مثل یک مسیحی، به پیروزی دست پیدا نکنیم.

بنابراین آگاهی داشتن درباره این موضوعات که شیطان کیست، منشا او کجاست، صاحب چه قدرتهای است و تا چه حد دست نیافتنی است، حائز اهمیت می باشد همچنین شما باید بدانید که از چه حقوق و امتیازاتی در مسیحیت برخوردارید.

کارمان را با بررسی منشا شیطان آغاز می کنیم

یوحنا ۱: ۳-۱

^۱ در ازل، پیش از آنکه چیزی پدید آید، «کلمه» وجود داشت و نزد خدا بود او همواره زنده بوده و خود او خداست.

^۲ هرچه هست، بوسیله او آفریده شده و چیزی نیست که آن را نیافریده باشد.

کولسیان ۱: ۱۶

در واقع تمام هستی بوسیله عیسی مسیح بوجود آمد، یعنی هر آنچه در آسمان و بر زمین است، دیدنی و نادیدنی؛ عالم روحانی با فرمانروایان و تاج و تخت ایشان، و فرماندهان و بزرگانشان، همه بوسیله مسیح و برای جلال او آفریده شدند.

همه فرشتگان و ارواح خبیث، حتی شیطان، توسط خدا خلق شده اند. شیطان یکی از سه فرشته مقرب خدا بود. دو فرشته دیگر میکائیل و جبرئیل هستند. بعدا درباره این دو چیزهای بیشتری می خوانیم. اینها سه فرشته برجسته خدا بودند.

لوسیفر: که همان شیطان یا روح خبیث

اشعیا ۱۴: ۳-۱۷

^۳ هنگامی که خداوند قوم خود را از درد و اضطراب، بندگی و بردگی رهایی بخشید.

^۴ آنگاه ایشان با ریشخند به پادشاه بابل چنین خواهند گفت: ای پادشاه ظالم، سرانجام نابود شدی و ستمکاریهایت پایان گرفت.

^۵ خداوند حکومت ظالمانه و شرارت آمیز تو را درهم شکست.

^۶ تو با خشم و غضب، مردم را پیوسته شکنجه و آزار می دادی،

^۷ اما اکنون تمام مردم از دست تو آسوده شده در آرامش زندگی می کنند و از شادی سرود می خوانند.

^۸ صنوبرها و سروهای لبنان نیز شاد مانند زیرا از زمانی که تو سقوط کردی دیگر کسی نیست که آنها را قطع کند

^۹ دنیای مردگان آماده می شود تا به استقبال تو بیاید. رهبران و پادشاهان دنیا که سالها پیش مرده اند، آنجا در انتظار تو هستند.

^{۱۰} آنها وقتی تو را ببینند به تو خواهند گفت: «تو نیز مانند ما ضعیف شدی و با ما فرقی نداری!»

^{۱۱} حشمت تو از دست رفته است و نوای دلنشین بر بطنهای قصرت دیگر بگوش نمی رسد اکنون تشک تو کرهما هستند و لحافت موریانه ها!

^{۱۲} ای ستاره درخشان صبح، چگونه از آسمان افتادی! ای که بر قوم های جهان مسلط بودی، چگونه بر زمین افکنده شدی!

^{۱۳} در دل خود می گفتم: تا به آسمان بالا خواهم رفت، تخت سلطنتم را بالای ستارگان خدا خواهم نهاد و بر قله کوهی از شمال که خدایان بر آن اجتماع می کنند جلوس خواهم کرد.

^{۱۴} به بالای ابرها خواهم رفت و مانند خدای متعال خواهم شد.

^{۱۵} اما تو به دنیای مردگان که در قعر زمین است، سرنگون شدی.

^{۱۶} اینک وقتی مردگان تو را می بینند به تو خیره شده، می پرسند: آیا این همان کسی است که زمین و قدرتهای جهان را می لرزاند؟

^{۱۷} آیا این همان کسی است که دنیا را ویران می کرد و شهرها را از بین می برد و بر اسیران خود رحم نمی کرد؟

حزقیال ۲۸: ۱۲-۱۹

^{۱۲} ای انسان خاکی، برای پادشاه صور گریه کن. به او بگو که خداوند می فرماید: تو مظهر کمال حکمت و زیبایی بودی

^{۱۳} و در عدن که باغ خدا بود قرار داشتی. خود را با انواع سنگهای گرانبها از قبیل عقیق سرخ، یاقوت زرد، الماس، زبرجد، جزع، یشم، یاقوت کبود، یاقوت سرخ و زمرد تزئین می کردی زیورهای تو همه از طلا بود تمام اینها در آن روزی که بوجود آمدی به تو داده شد.

^{۱۴} تو را بعنوان فرشته نگهبان انتخاب کردم. تو در کوه مقدس من بودی و در میان سنگهای درخشان راه می رفتی.

^{۱۵} از روزی که آفریده شدی در تمام کارهایت کامل و بی نقص بودی تا اینکه شرارت در تو راه یافت.

^{۱۶} تجارت زیاد تو با دیگران باعث شد تو ظالم و گناهکار شوی. به این سبب تو را از کوه خود بیرون انداختم. ای فرشته نگهبان، من تو را از میان سنگهای درخشان بیرون انداختم، هلاک ساختم.

^{۱۷} دل تو از زیباییات مغرور شد، و شکوه و جلالت باعث شد که حکمتت به حماقت تبدیل شود. بهمین علت تو را بر زمین انداختم و در برابر چشمان پادشاهان در مانده‌ات کردم.

^{۱۸} تقدس خود را به سبب حرص و طمع از دست دادی پس از میان خودت آتشی بیرون آوردم و پیش چشمان کسانی که تماشا می کردند، تو را سوزاندم و به خاک و خاکستر تبدیل نمودم.

^{۱۹} تمام کسانی که تو را می شناختند، از آنچه که بر سرت آمده است حیران و وحشت زده شده اند. تو برای همیشه از بین رفته‌ای.

شیطان یکی از فرشتگان مقرب بود.

در اشعیا ۱۴: ۱۱ می خوانیم که شیطان در آسمان، خدا را پرستش می کرد.

^{۱۳} در دل خود گفتی: « تا به آسمان بالا خواهم رفت، تخت سلطنتم را بالای ستارگان خدا خواهم نهاد و بر قله کوهی در شمال که خدایان بر آن اجتماع می کنند. جلوس خواهم کرد.

^{۱۴} به بالای ابرها خواهم رفت. و مانند خدای متعال خواهم شد »

من تا آسمان بالا خواهم رفت، من تخت سلطنتم را در بالای ستارگان خدا خواهم نهاد. این جملاتی که از زبان شیطان جاری می شود، نشان می دهد که شیطان پر از غرور و خودخواهی است. او برای این خلق شده بود که خدا را پرستش کند. شیطان تا قبل از اینکه گناه در او پیدا شود، بسیار زیبا و شگفت انگیز بود.

سرشت و سیرت او:

شیطان نیز مانند فرشتگان مقرب و هرچیز دیگری در این دنیا، توسط خدا خلق شده است. شیطان یک فرشته فرو افتاده و سقوط کرده است. او به همراه یک سوم همه فرشتگان دیگر، از حضور خدا بیرون رانده شد آنها بر علیه خدا طغیان کردند. شیطان، آئینه خدا یا نقطه مقابل او نیست.

خدا آفریده نشده است، او ابدی، جاویدان، ماندگار و بدون تغییر است. ولی شیطان موجود خلق شده یا مخلوق است و بنابراین دارای برخی محدودیت هاست.

دانستن این مطالب حائز اهمیت است. بنابراین جایگاه او با جایگاه خدا فاصله بسیار زیادی دارد.

او چیزی جز یک فرشته نافرمان و پست، که چیزی نمی داند و هیچ چیز را درک نمی کند، نیست

پیدایش ۳: ۱۵

بین تو وزن و نیز بین نسل تو و نسل زن، خصومت می گذارم. نسل زن سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد.

این کتاب مقدس درباره تولد عیسی مسیح و به صلیب کشیده شدن او صحبت می کند.

شیطان این مطالب را درک نکرد. اگر او اینها را می فهمید، هیچگاه عیسی مسیح را به صلیب نمی کشید.

شیطان، در یک زمان، محدود به یک مکان است. او اطلاعات خود را از زیردستانش (دیگر فرشتگان سقوط کرده، ارواح شرور) بدست می آورد.

خدا در یک زمان، در همه مکانها حضور دارد خدا همه چیز را درباره آینده می داند ولی شیطان از چنین قدرتی برخوردار نیست. ولی از آینده خود باخبر است. دانش شیطان محدود است و از افکار شما خبر ندارد. ولی خدا از عمق افکار شما با خبر است.

مزامیر ۱۳۹: ۱-۴

^۱ ای خداوند، تو مرا آزموده و شناخته‌ای.

^۲ تو از نشستن و برخاستن من آگاهی. فکرهای من از تو پوشیده نیست.

^۳ تو کارکردن و خوابیدن مرا زیر نظر داری و از همه راه‌ها و روشهای من با خبر هستی.

^۴ حتی پیش از آنکه سخنی بر زبان آورم تو آن را می‌دانی.

دشمن، حدس می‌زند و آزمایش می‌کند. او از سخنان شما و آنچه که به زبان می‌آورید، اطلاعات بدست می‌آورد. سخنان ما از تفکرات ما منشا می‌گیرد. بنابراین اعتراف به حقیقت بسیار اهمیت دارد.

اهداف او

یوحنا ۱۰: ۱۰

کار دزد این است که بدزدد، بکشد و نابود کند؛ اما من آمده‌ام تا به شما حیات واقعی را به فراوانی عطا نمایم.

تنها هدف شیطان این است که به فرزندان عزیز خدا آسیب بزند.

شیطان نمی‌تواند به جایگاه خدا برسد ولی می‌تواند به جایگاه فرزندان خدا دست

پیدا کند

سلاحها و تاکتیک ها یا شگردهای شیطان:

یوحنا ۱: ۴۲-۴۵

^{۴۲} عیسی فرمود: « اگر اینطور بود، مرا دوست می داشتید. چون من از جانب خدا نزد شما آمدم. من خود سرانه نیامده ام بلکه خدا مرا پیش شما فرستاده است.

^{۴۳} چرا نمی توانید سخنان مرا بفهمید؟ دلیلش این است که نمی خواهید به من گوش دهید.

^{۴۴} شما فرزندان پدر واقعی تان شیطان می باشید و دوست دارید اعمال بد او را انجام دهید. شیطان از همان اول قاتل بود و از حقیقت نفرت داشت. در وجود او نره ای حقیقت پیدا نمی شود، چون ناتا دروغگو و پدر تمام دروغگوهاست.

^{۴۵} بهمین دلیل است که وقتی من حقیقت را به شما می گویم، نمی توانید باور کنید.

پدر دروغگویان

دروغ تنها سلاح شیطان است

وقتی ما به دروغهای شیطان گوش می کنیم، به دام می افتیم.

در ایران مردم حقیقت را در این باره که خدا کیست، نشنیده اند.

بنابراین عیسی مسیح گفته است:

مرقس ۱۶: ۱۵

پس به ایشان گفت: «حالا باید به سراسر دنیا بروید و پیغام انجیل را به مردم برسانید.

وقتی مردم ایران حقیقت را بشنوند و آن را دریافت کنند، آزاد خواهند شد. در این

حالت شیطان نمی تواند آنها را در اسارت نگه دارد.

یوحنا ۱: ۳۱-۳۲

^{۳۱} در این وقت، بسیاری از سران قوم یهود، با شنیدن سخنان او، ایمان آوردند که او همان مسیح است. عیسی به این عده فرمود: «اگر همانگونه که به شما گفتم زندگی کنید، شاگردان واقعی من خواهید بود.»

^{۳۲} حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد ساخت.»

عیسی مسیح، شیطان را بطور کامل شکست داد

شیطان خلع سلاح شد. این اتفاق زمانی رخ داد که عیسی مسیح مرد و دوباره زنده شد.

کولسیان ۲: ۱۵

به این ترتیب، قدرت شیطان را که شما را به گناه متهم می‌ساخت، درهم شکست. خدا به تمام مردم دنیا به روشنی نشان داد که مسیح بر روی صلیب بر شیطان چیره شده است، و شما هم بوسیله او، از تمام گناهان خود پاک شده‌اید.

ما در زمان و دوران بین روز واقعه و پیروزی قرار گرفته‌ایم

در طول جنگ جهانی دوم، متفقین به سواحل نور ماندی فرانسه در ششم ژوئن ۱۹۴۴ حمله کردند این روز به عنوان روز مهم (واقعه) شناخته شد. آن جنگ که در آن روز اتفاق افتاد، نقطه مطلق برگشت از جنگ بود. وقتی این روند تا سال بعد از آن یعنی زمانی که آلمانها و ژاپنی‌ها رسماً سند کاپیتولاسیون را نوشتند ادامه پیدا کرد. ولی سال بین روز واقعه و پیروزی خونبارترین سال در طول کل دوران جنگ بود. در این دوران تعداد نفرات کشته شده بسیار بیشتر از تعداد کسانی بود که در سالهای قبل از آن کشته شده بودند. دشمن فهمید که دیگر فرصتی باقی نمانده و اگر هرچا برود باید به سرعت و با اعمال زور، وارد عمل شود. امروز، کلیسا بین روز واقعه و

پیروزی قرارداد. روز واقعه روزی بود که در آن عیسی مسیح بخاطر گناهان مردم دنیا، به صلیب کشیده شد. شیطان شکست خورد. ولی وقتی عیسی مسیح دوباره پیروزی را بدست آورد و سلطنت و پادشاهی خود را دوباره به دست گرفت و شیطان را مجبور کرد که اقتدارش را به او برگرداند، کلیسا وارد آخرین مرحله جنگ می شود. بنابراین ما با یک مقاومت شدید روبرو هستیم.

ولی اگر ما برطبق قوانین مبارزه کنیم، همیشه برنده خواهیم شد.

دوم تیموتائوس ۲: ۵

ورزشکاری که می خواهد برنده جایزه شود، باید تمام مقررات مسابقه را رعایت کند، تو نیز برای موفقیت در خدمت، باید از تمام دستورات خداوند اطاعت کنی.

قوانین او در میان جزایر و کشتی‌ها

حزقیان ۲۸: ۲-۱۰

^۲ ای انسان خاکی به حکمران صور بگو که خداوند می فرماید: تو بقدری مغرور شده ای که فکر می کنی خدا هستی و در قلمرو خود که جزیره ایست در وسط دریا، مانند یک خدا بر تخت نشسته ای! هرچند به خود می بالی که مثل خدا هستی، ولی بدان که انسانی بیش نیستی. تو می‌گویی از دانیال داناتری و هیچ سری از تو مخفی نیست.

^۴ با حکمت و دانایی خود، مال و ثروت زیاد جمع کرده ای و طلا و نقره و گنج های بسیار اندوخته ای.

^۵ حکمت تو، تو را بسیار ثروتمند و مغرور کرده است.

^۶ خداوند می فرماید: چون ادعا می کنی که مانند خدا دانا هستی.

^۷ من سپاه دشمن بی رحمی را که مایه وحشت قوم هاست می فرستم تا شکوه و زیبایی تو را که به حکمت خود بدست آورده ای از بین ببرند.

^۸ آنها تو را به قعر جهنم می فرستند و تو در قلب دریا خواهی مرد.

^۹ آیا در حضور قاتلان خود باز ادعای خدایی خواهی کرد؟ نه، بلکه در آن هنگام تو یک انسان خواهی بود و نه خدا.

^{۱۰} مثل یک شخص مطرود، بدست بیگانه‌ها کشته خواهی شد. من که خداوند هستم این را گفته‌ام.

ما می‌بینیم که این کتاب مقدس درباره یک انسان، یک رهبر و یک پادشاه صورت
است

فکر او با غرور و خودخواهی پر شده و شخصیت شیطان در او پدیدار شد او فکر
می‌کرد که مثل خداست

شیطان بدنبال چنین حکمرانانی است و از طریق آنها وارد عمل می‌شود این
حکمرانان مثل کانالهایی هستند که شیطان از طریق آنها وارد عمل می‌شود در آیات
زیر، در حزقیال ۲۸: ۱۲-۱۹ می‌بینید که شیطان از طریق این حکمرانان (انسان) وارد
عمل می‌شود بگونه‌ای که این حکمرانان، پیرو شیطان می‌شوند. آنها نماینده شیطان
هستند.

شیطان از کجا آمده و به کجا خواهد رفت

۱- از حضور خدا- دنیای نامرئی

افسیان ۶: ۱۲

بدانید که جنگ ما با انسانها نیست، انسانهایی که گوشت و خون دارند، بلکه ما با موجودات
نامرئی می‌جنگیم که بر دنیای نامرئی حکومت می‌کنند، یعنی بر موجودات شیطانی و
فرمانروایان شرور تاریکی

۲- قدرت و اقتدار خود را از آدم در روی زمین بدست آورد

دوم قرنتیان ۴:۴

شیطان که حاکم این دنیای پر از گناه است، چشمان این اشخاص بی ایمان را بسته است تا نتوانند نور پر جلال انجیل را ببینند و معنی پیغام ما را درباره جلال مسیح که چهره قابل رویت خدای نادیده است، درک کنند.

افسسیان ۲:۲ و ۱۲:۶

^{۲:۲} شما هم مانند دیگران غرق در گناه بودید و شیطان را اطاعت می کردید، شیطانی که رئیس نیروهای پلید است و هم اکنون در قلب مخالفین خدا عمل می کند.
^{۱۲:۶} بدانید که جنگ ما با انسانها نیست، انسانهایی که گوشت و خون دارند، بلکه ما با موجودات نامرئی می جنگیم که بر دنیای نامرئی حکومت می کنند، یعنی بر موجودات شیطانی و فرمانروایان شرور تاریکی.

اول یوحنا ۴:۴

فرزندان عزیزم، شما از آن خدا هستید و بر مخالفین مسیح غلبه یافته اید، زیرا در وجود شما کسی زندگی می کند که از هر دشمن مسیح در این دنیای گناه آلود، قوی تر است.

اول یوحنا ۵: ۱۹

می دانیم که ما فرزندان خدا هستیم و بقیه مردم دنیا، تحت قدرت و سلطه شیطان قرار دارند.

۳- قدرت از دست رفته، در هنگام به صلیب کشیده شدن

یوحنا ۱۲: ۳۱

چون وقت آن رسیده است که خدا مردم دنیا را داوری کند و فرمانروای این دنیا، یعنی شیطان را از قدرت بیندازد.

در این هنگام، کلیسای خدا وارد عمل می شود و اینکار را انجام می دهد.

۴- هزار سال در چاه بی انتها

مکاشفه ۲۰: ۱-۳

^۱ سپس فرشته ای را دیدم که از آسمان پایین آمد. او کلید چاه بی انتها را به همراه می آورد و زنجیری محکم نیز در دست داشت.

^۲ او اژدها را گرفت و به زنجیر کشید و برای مدت هزار سال به چاه بی انتها افکند. سپس در چاه را بست و قفل کرد، تا در آن هزار سال نتواند هیچ قومی را فریب دهد. پس از گذشت این مدت، اژدها برای چند لحظه آزاد گذاشته خواهد شد. اژدها، همان مار قدیم است که اهریمن و شیطان نیز نامیده می شود.

۵- افکنده شدن به دریاچه آتش تا ابد

مکاشفه ۲۰: ۱۰

سپس شیطان که ایشان را فریب داده بود، به دریاچه آتش افکنده خواهد شد. دریاچه آتش همان جایی است که با گوگرد می سوزد و آن جاندار خبیث و پیامبر دروغین او شبانه روز، تا به ابد، در آنجا عذاب می کشند

شیطان از شکوه و جلال، به عمیق ترین تاریکی ها تنزل می کند. آینده او تاریک و پر از عذاب است. ولی ما بعنوان فرزندان خدا، به جلالی روز افزون می رسیم.

دوم قرن تیان ۳: ۱۸

اما ما مسیحیان نقابی بر صورت خود نداریم و همچون آینه ای روشن و شفاف، جلال خداوند را منعکس می کنیم؛ و در اثر کاری که خداوند یعنی روح القدس در وجودمان انجام می دهد، با جلالی روز افزون، بتدریج شبیه او می شویم.

فرشتگان

عبرانیان ۱: ۴-۹، ۱۳-۱۴

^۲ به این طریق، او از فرشته ها برتر گردید نام او نیز گواه بر این برتری است «پسر خدا!» این نامی است که خدای پدر به او داده، و از نام و لقب همه فرشته ها بالاتر است.

^۵ زیرا خدا خطاب به عیسی فرمود: «تو پسر من هستی؛ امروز این نام را با تمام افتخاراتش به تو می بخشم» اما درباره هیچیک از فرشتگان چنین نگفت. در جای دیگری از کتاب آسمانی، خدا فرمود: «من پدر او هستم، و او پسر من است.

^۶ «همچنین در جای دیگر، هنگامی که فرزند ارشد او به جهان می آمد، فرمود: «همه فرشتگان خدا او را پرستش نمایند!»

^۷ خدا درباره فرشتگان می فرماید: «همچون باد، بسرعت پیغام می برند و چون شعله های آتش، با شور و حرارت خدمت می کنند.»

^۸ اما درباره فرزندش می گوید: «ای خدا، سلطنت تو تا ابد برقرار است؛ اساس حکومت تو بر عدل و راستی است.

^۹ راستی را دوست می داری، و از ناراستی تنفر داری. بنابراین، خدا، یعنی خدای تو، بیش از هرکس دیگر تو را از شادی لبریز کرده است.

^{۱۳} خدا به فرزندش فرمود: «در کنار من بنشین تا دشمنانت را زیر پاهایت بیفکنم» اما خطاب به هیچ فرشته ای چنین نگفت.

^{۱۴} زیرا فرشته ها فقط روح هایی خدمتگزار هستند و برای کمک و مراقبت از کسانی فرستاده می شوند که مایلند نجات الهی را دریافت نمایند.

فرشتگان عاری از گناه هستند و برای خدمت به خدا، خلق شده اند آنها متعلق به خودشان نمی باشند و ۱۰۰٪ در خدمت خدا می باشند آنها فقط یکبار فرصت انتخاب خوبی یا شرارت و بدی را دارند آنهایی که انتخاب غلط را برگزینند، برای همیشه دچار انحراف می شوند و دیگر راه بازگشتی برای آنها وجود ندارد. بخشش گناهان از طریق عیسی مسیح، شامل حال این فرشتگان نمی شود.

^{۱۴} از آنجا که این فرزندان خدا، انسان هستند و دارای گوشت و خون می‌باشند، او نیز گوشت و خون شد و به شکل انسان در آمد زیرا فقط با انسان شدن می‌توانست جانش را در راه ما فدا کند و بمیرد، و با مرگ خود، قدرت شیطان را نابود سازد، شیطانی که صاحب اختیار مرگ بود.
^{۱۵} تنها از این راه بود که می‌توانست آنانی را که در تمام عمرشان در وحشت مرگ بسر می‌بردند و اسیر ترس بودند، رهایی دهد.

^{۱۶} همه ما می‌دانیم که او برای کمک به فرشتگان نیامد، بلکه به این جهان آمد تا انسانهایی را که به گفته کتاب آسمانی، از «نسل ابراهیم» می‌باشند، دستگیری نماید.
^{۱۷} به همین جهت لازم بود که او نیز از هر لحاظ مانند برادران خود گردد تا در حضور خدا، برای انسانها کاهن اعظمی دلسوز و وفادار باشد و به هنگام کفاره گناهان، بتواند در همان حال که نسبت به انسان رحیم و کریم می‌باشد، نسبت به خدا نیز وفادار بماند.

اقتدار انسان بر فرشتگان اولویت داشته و برتر است. فرشتگان برای خدمت کردن به ما خلق شده اند. بنابراین لازم نیست که انسان از فرشتگان پیروی کند. ما همگی به پیروی و اطاعت از خدا فرا خوانده می شویم. خداوند فرشتگان را تحت عنوان پسران خود خطاب نمی کند. خدا آنها را مانند ما انسانها، فرزندان خود نمی داند ولی ما فرزندان دلبنده خدا هستیم.

شکل ظاهر

انواع گوناگونی از فرشتگان وجود دارند. آنها برای انجام وظایف مختلفی آفریده شده‌اند.

فرشتگان قهرمانان درشت جثه، شگفت آور و قدرتمندی هستند که فرمان خدا را به محض شنیدن آن، اجرا می‌کنند

قدرتمند

مزامیر ۱۰۳: ۲۰-۲۱

^{۲۰} ای فرشتگان توانا که گوش به فرمان خداوند هستید تا دستوراتش را اجرا نمایید، او را

ستایش کنید!

^{۲۱} ای همه نیروهای آسمانی، ای خدمتگزاران خداوند او را سپاس گوید!

بزرگی

مکاشفه ۱۰: ۱-۳

^۱ سپس فرشته نیرومند دیگری را دیدم که از آسمان پایین می‌آمد. گرداگرد او را ابر فراگرفته

بود.

^۲ و برفراز سرش رنگین‌کمانی قرار داشت. صورتش نیز همچون خورشید می‌درخشید و

پاهایش مانند ستونهای آتش بود. در دست او طومار کوچک بازی قرار داشت. او پای راستش را

بر دریا و پای چپش را بر زمین گذاشت،

^۳ و صدایی بلند چون غرش شیر برآورد. در جواب او هفت رعد سخن گفتند.

شگفت آور

مکاشفه ۱۸: ۱

بعد از این رویاها، فرشته دیگری را دیدم که با اختیار تام از آسمان پایین آمد. این فرشته

چنان می‌درخشید که تمام زمین را روشن ساخت.

تعداد فرشتگان

فرشتگان تکثیر نمی‌شوند و نمی‌میرند. بنابراین تعداد آنها تغییر نمی‌کند.

سپس در رویاها، میلیونها فرشته را دیدم که گرداگرد تخت و موجودات زنده و رهبران روحانی جمع شده بودند.

شیطان یک سوم فرشتگان را به انحراف کشاند این فرشتگان، ارواح خبیث نامیده می‌شوند. در کلاس دوم، درباره ارواح خبیث و اینکه چگونه مردم می‌توانند از شر آنها رهایی پیدا کنند، مطالبی را عنوان می‌کنیم. دو سوم فرشتگان، ایماندار به خدا ماندند. عیسی مسیح می‌دانست که اگر می‌خواست می‌توانست از ۱۲ قشون فرشتگان کمک بگیرد وی می‌دانست که باید به میل خود به زندگی اش خاتمه دهد و روی صلیب بمیرد تا همه بشریت را از گناه نجات دهد، همه آن انسانهایی که با ایمان، این نجات را بدست آوردند.

متی ۲۶: ۵۳

مگر نمی‌دانی که من می‌توانم از پدرم درخواست کنم تا در یک لحظه، هزاران فرشته به کمک ما بفرستد؟

برخی فرشتگان می‌توانند به شکل انسان در بیایند، مثل انسان لباس بپوشند و مثل انسان رفتار کنند.

پیدایش ۱۸ : ۱-۲

^۱ هنگامی که ابراهیم در بلوطستان ممری سکونت داشت، خداوند بار دیگر بر او ظاهر شد، شرح واقعه چنین است: ابراهیم در گرمای روز بر در خیمه خود نشسته بود.

^۲ ناگهان متوجه شد که سه مرد بطرف او می‌آیند. از جابرخاست و به استقبال آنها شتافت. ابراهیم رو به زمین نهاد.

آیا فرشتگان بال دارند؟

بله، برخی فرشتگان بال دارند این فرشتگان سرافین و کروبیان (معصوم) نامیده می‌شوند.

اشعیاء ۶: ۲۱

^۱ در سالی که از عزیزی پادشاه درگذشت، خداوند را دیدم که بر تختی بلند و با شکوه نشسته بود و خانه خدا از جلال او پر شده بود.

^۲ اطراف تخت را فرشتگاه احاطه کرده بودند. هر فرشته شش بال داشت که با دو بال صورت خود را می‌پوشاند، و با دو بال پاهای خود را، و با دو بال دیگر پرواز می‌کرد.

انواع گوناگونی از فرشتگان وجود دارند:

ما آنها را سرافین و کروبیان می‌نامیم.

فرشتگان مقرب

۱- جبرئیل: روح الامین

جبرئیل فرشته مقربی است که اغلب پیام‌های مهم را می‌آورد.

دانیال ۹: ۲۱-۲۲

^{۲۱} جبرئیل که او را در خواب قبلی دیده بودم، با سرعت پرواز کرد و هنگام قربانی عصر

پیش من رسید

^{۲۲} و به من گفت: «دانیال، من آمده‌ام به تو فهم ببخشم تا بتوانی این اسرار را بفهمی.

لوقا ۱: ۲۶-۳۸

^{۲۶} در ششمین ماه بارداری الیزابت، خدا فرشته خود جبرئیل را به ناصره، یکی از شهرهای

استان جلیل فرستاد،

^{۲۷} تا وحی او را به دختری به نام مریم برساند. مریم نامزدی داشت به نام یوسف، از نسل

داود پادشاه

^{۲۸} جبرائیل به مریم ظاهر شد و گفت: «سلام بر تو ای دختری که مورد لطف پروردگار قرار

گرفته ای! خداوند با توست!»

^{۲۹} مریم سخت پریشان و متحیر شد، چون نمی‌توانست بفهمد منظور فرشته از این سخنان

چیست.

^{۳۰} فرشته به او گفت: «ای مریم، نترس! زیرا خدا بر تو نظر لطف انداخته است.

^{۳۱} تو بزودی بار دار شده، پسری بدنیا خواهی آورد و نامش را عیسی خواهی نهاد.

^{۳۲} او مردی بزرگ خواهد بود و پسر خدا نامیده خواهد شد و خداوند تخت سلطنت جدش

داود را به او واگذار خواهد کرد.

^{۳۳} تا برای همیشه بر قوم اسرائیل سلطنت کند سلطنت او هرگز پایان نخواهد یافت.

^{۳۴} مریم از فرشته پرسید: «اما چگونه چنین چیزی امکان دارد؟ دست هیچ مردی هرگز به من

نرسیده است!»

^{۳۵} فرشته جواب داد: روح القدس بر تو نازل خواهد شد و قدرت خدا بر تو سایه خواهد افکند.

از این رو آن نوزاد مقدس بوده، فرزند خدا خوانده خواهد شد.

^{۳۶} بدان که خویشاوند تو الیزابت نیز شش ماه پیش در سن پیری باردار شده و بزودی

پسری بدنیا خواهد آورد؛ بلی، همان کسی که همه او را نازا می‌خواندند.

^{۳۷} زیرا برای خدا هیچ کاری محال نیست.

^{۳۸} مریم گفت: «من خدمتگزار خداوند هستم و هرچه او بخواهد، با کمال میل انجام میدهم. از

خدا می‌خواهم که هرچه گفتی، همان بشود.» آنگاه فرشته ناپدید شد.

۲- میکائیل

فرشته جنگ خدا

دانیال: ۱۰: ۱۲-۱۳

^{۱۲} سپس او گفت: «ای دانیال، نترس چون از همان روز اول که در حضور خدای خود روزه گرفتی و از او خواستی تا به تو فهم بدهد، درخواست تو شنیده شد و خدا همان روز مرا نزد تو فرستاد.

^{۱۳} اما فرشته‌ای که بر مملکت پارس حکمرانی می‌کند بیست و یک روز با من مقاومت کرد و مانع آمدن من شد. سرانجام میکائیل که یکی از فرشتگان اعظم است، به یاری من آمد.

یوشع ۵: ۱۳-۱۵

^{۱۳} روزی یوشع که به شهر اریحا نزدیک شده بود، چشمش به مردی شمشیر بدست افتاد. یوشع بسوی او رفت و پرسید: «دوست هستی یا دشمن؟»

^{۱۴} آن مرد به یوشع گفت: «من فرمانده لشکر خداوند هستم.» یوشع روی بر زمین نهاد و سجده کرده گفت: «هر امری داری به بنده ات بفرما.»

^{۱۵} او به یوشع گفت: «کفشهایت را در آور، زیرا جایی که ایستاده‌ای مقدس است.» یوشع اطاعت کرد.

فرشتگان محافظ (نگهبان)

مزامیر ۹۱: ۱۰-۱۲

^۹ و ^{۱۰} هیچ بدی دامنگیر تو نخواهد شد و بلایی بر خانه تو سایه نخواهد افکند، زیرا تو به خداوند پناه برده‌ای و زیر سایه خدای قادر متعال بسر می‌بری.

^{۱۱} او به فرشتگان خود دستور میدهد تا به هر راهی که بروی، از تو حمایت و محافظت کنند.

^{۱۲} آنها تو را روی دست خود خواهند گرفت تا پایت به سنگ نخورد.

متی ۱۸: ۱۰

هیچگاه این بچه های کوچک را تحقیر نکنید. چون آنها در آسمان فرشتگانی دارند که همیشه در پیشگاه پدر آسمانی من حاضر می شوند.

دانیال ۶: ۲۲

آری، خدای من فرشته خود را فرستاد و دهان شیران را بست تا به من آسیبی نرسانند، چون من در حضور خدا بی تقصیرم و نسبت به تو نیز خطایی نکرده‌ام.

ارواح خدمتگذار

عبرانیان ۱: ۱۴

زیرا فرشته‌ها فقط روح‌هایی خدمتگذار هستند، که برای کمک و مراقبت از کسانی فرستاده می‌شوند که مایلند نجات الهی را دریافت نمایند.

آنها برای درک و بررسی و فراهم نمودن اعمالی که خدا برای شما مقرر کرده بوجود آمده‌اند.

اعمال رسولان ۱۲: ۶-۱۰

^۵ شب قبل از آن روزی که قرار بود پطرس محاکمه شود، او را با دو زنجیر بسته بودند و او بین دو سرباز خوابیده بود. سربازان دیگر نیز کنار در زندان کشیک می دادند.

^۶ ناگهان محیط زندان نورانی شد و فرشته خداوند آمد و کنار پطرس ایستاد! سپس به پهلوی پطرس زد و او را بیدار کرد و گفت: «زود برخیز!» همان لحظه زنجیرها از مچ دستهایش باز شد و بر زمین فرو ریخت!

^۸ فرشته به او گفت: «لباسها و کفشهایت را بپوش» پطرس پوشید. آنگاه فرشته به او گفت: «ردای خود را بر دوش بینداز و بدنبال من بیا!»

^۹ به این ترتیب، پطرس از زندان بیرون آمد و به بدنبال فرشته براه افتاد. ولی در تمام این مدت تصور می کرد، که خواب می بیند و باور نمی کرد که بیدار باشد.

^{۱۵} پس با هم از حیاط اول و دوم زندان گذاشتند تا به دروازه آهنی زندان رسیدند که به کوچه‌ای باز می‌شد! این در نیز خود بخود باز شد! پس، از آنجا هم رد شدند تا به آخر کوچه رسیدند، آنگاه فرشته از او جدا شد.

رسالت فرشتگان

فرشتگان به ما کمک می‌کنند و فرصت‌هایی را بوجود می‌آورند، بگونه‌ای که مردم بتوانند دوباره متولد شوند. ولی فرشتگان تورات و انجیل را موعظه نمی‌کنند. آنها با مردم حرف نمی‌زنند و سعی نمی‌کنند که آنها را متقاعد کنند که عیسی مسیح پسر خداست این رسالت ما است.

اعمال رسولان ۸: ۲۶-۳۸

^{۲۶} پس از این واقعه، فرشته خداوند به فیلیپ گفت: «برخیز و رو به جنوب به راهی برو که از اورشلیم به بیابان غزه می‌رود.»

^{۲۷} «پس فیلیپ بطرف آن جاده براه افتاد. وقتی به آنجا رسید به خزانه دار مملکت حبشه برخورد که در دربار «کنداکه»، ملکه حبشه، نفوذ و قدرت فراوانی داشت. او برای زیارت خانه خدا به اورشلیم رفته بود.

^{۲۸} و حالا با کالسکه به وطن خود باز می‌گشت. در ضمن کتاب اشعیا نبی را با صدای بلند می‌خواند..

^{۲۹} روح خدا به فیلیپ گفت: «تندتر برو تا به کالسکه برسی.»

^{۳۰} فیلیپ جلو دوید و شنید که چه می‌خواند. پس پرسید: «آیا می‌فهمید چه نوشته است؟»

^{۳۱} مرد حبشی جواب داد: نه، وقتی کسی نیست به من بیاموزد، چگونه بفهمم؟ «پس، از فیلیپ خواهش کرد که سوار کالسکه شود و کنار او بنشیند.

^{۳۲} آن قسمتی که از کتاب آسمانی می‌خواند، این بود: همچنانکه گوسفند را به سوی کشتارگاه می‌برند، او را نیز به کشتارگاه بردند. او مثل گوسفندی که پشم‌هایش را می‌چینند، لب به اعتراض نکشود.

^{۳۳} او فروتن بود؛ از اینرو هرگونه بی عدالتی در حق او روا داشتند. چه کسی می تواند از نسل او سخن بگوید؟ زیرا حیات او از زمین برداشته شد»

^{۳۴} خزانه دار حبشی از فیلیپ پرسید: «آیا اشعیاء این چیزها را درباره خودش می گفت یا درباره دیگری؟»

^{۳۵} آنگاه فیلیپ از آن نوشته آسمانی شروع کرد و با استفاده از قسمت های دیگر کتاب آسمانی، پیام نجات بخش عیسی را به او رسانید.

^{۳۶} همچنانکه کالسکه پیش می رفت. به یک برکه آب رسیدند. مرد حبشی گفت: «نگاه کن! این هم آب! آیا امکان دارد حالا غسل تعمید بگیرم؟»

^{۳۷} فیلیپ جواب داد: «اگر با تمام وجودت ایمان آورده ای، امکان دارد.»

جواب داد: «من ایمان دارم که عیسی مسیح، فرزند خداست»

^{۳۸} پس کالسکه را نگاه داشتند و هر دو داخل آب رفتند و فیلیپ او را تعمید داد.

و ما می بینیم که یک فرشته چگونه به فیلیپ آگاهی داد. مشاهده می کنید که فیلیپ سعی نکرد که با فرشته تماس برقرار کند و ما هم چنین کاری را پیشنهاد نمی کنیم. اگر آنها خودشان را نشان بدهند خوب است ولی اگر این اتفاق نیافتاد آنها را جستجو نکنید.

اعمال رسولان ۱۰: ۳-۴۸

^۳ یک روز ساعت سه بعد از ظهر، در رؤیا فرشته خدا را دید. فرشته نزد او آمد و گفت: «کرنیلیوس!»

^۴ کرنیلیوس با وحشت به او خیره شد و پرسید: «آقا، چه فرمایشی دارید؟» فرشته جواب داد: «دعاها و نیوکاری های تو از نظر خدا دور نمانده است!»

^۵ اکنون چند نفر به یافا به دنبال شمعون پطرس بفرست تا به دیدن تو بیاید. او در خانه شمعون چرم ساز که خانه اش در کنار دریاست، مهمان است.»

^۷ وقتی فرشته ناپدید شد کرنیلیوس دو نفر از نوکران خود را با یک سرباز خداشناس که محافظ او بود، فراخواند

^۸ و جریان را به ایشان گفت و آنان را به یافا فرستاد

^۹ روز بعد، وقتی این افراد به شهر یافا نزدیک می شدند، پطرس به پشت بام رفت تا دعا کند. ظهر بود و پطرس گرسنه بود در همان حال که خوراک را آماده می کردند، پطرس در عالم رویا دید که

^{۱۱} آسمان باز شد و چیزی شبیه سفره ای بزرگ بطرف زمین آمد که از چهار گوشه آویزان بود.

^{۱۲} در آن سفره، همه نوع حیوان و حشره و پرنده وحشی وجود داشت که خوردن آنها برای یهودیان حرام بود.

^{۱۳} سپس صدایی به پطرس گفت: «برخیز و هر کدام را که می خواهی، ذبح کن و بخور!»

^{۱۴} پطرس گفت: «خداوندا، من هرگز چنین کاری نخواهم کرد! در تمام عمرم هرگز گوشت حرام نخورده ام»

^{۱۵} باز آن صدا گفت: «دستور خدا را رد نکن! اگر خدا چیزی را حلال می خواند، تو آن را حرام نخوان!»

^{۱۶} این رویا سه بار تکرار شد. پس آن سفره به آسمان بالا رفت.

^{۱۷} پطرس گیج شده بود، چون نه معنی رویا را می دانست و نه می دانست چه باید بکند. در همین وقت، آن سه نفری که کرنیلیوس فرستاده بود، خانه را پیدا کرده، به دم در رسیده بودند،

^{۱۸} و می گفتند: «آیا شمعون معروف به پطرس در اینجا اقامت دارد؟»

^{۱۹} در حالیکه پطرس درباره رویا فکر می کرد، روح القدس به او گفت: «سه نفر آمده اند تو را ببینند.

^{۲۰} برخیز و از ایشان استقبال کن و بدون شک و تردید همراه ایشان برو چون من ایشان را فرستاده ام.»

^{۲۱} پطرس پایین رفت و به ایشان گفت: «من پطرس هستم چه فرمایشی دارید؟»

^{۲۲} جواب دادند: « ما از جانب کرنیلیوس، فرمانده رو می آمده ایم. او شخص نیکوکار و خدا ترسی است و مورد احترام یهودیان نیز می باشد. فرشته ای نیز به او ظاهر شده و گفته است که بدنبال شما بفرستد و سخنان شما را بشنود.

^{۲۳} پطرس آنان را به خانه برد و پذیرایی کرد و روز بعد با ایشان به قیصریه رفت. چند نفر از ایمانداران « یاقا » نیز با او رفتند.

^{۲۴} فردای آن روز به قیصریه رسیدند. کرنیلیوس بستگان نزدیک خود را هم جمع کرده بود و انتظار ایشان را می کشید.

^{۲۵} به محض اینکه پطرس وارد خانه شد، کرنیلیوس در مقابل او به خاک افتاد تا او را بپرستد.

^{۲۶} اما پطرس گفت: «برخیز! من نیز مانند تو یک انسانم»

^{۲۷} پس برخاسته، گفتگو کنان به اتاقی که عده زیادی در آن جمع بودند رفتند.

^{۲۸} پطرس به ایشان گفت: « شما خود می دانید که قوانین یهود اجازه نمی دهد که من به خانه شخص غیر یهودی بیایم. ولی خدا در رویا به من نشان داده است که هرگز نباید کسی را نجس بدانم.

^{۲۹} از این رو وقتی به دنبال من فرستادید، بی چون و چرا آمدم. حال بفرمایید به چه علت مرا خواسته اید»

^{۳۰} کرنیلیوس جواب داد: « چهار روز پیش، در همین وقت یعنی ساعت سه بعد از ظهر، طبق عادت در خانه مشغول دعا بودم که ناگهان دیدم شخصی با لباس نورانی روی من ایستاده است!

^{۳۱} او به من گفت: کرنیلیوس، خدا دعای تو را شنیده است و کمکهای تو را در حق مردم قبول کرده است.

^{۳۲} حال چند نفر را به یاقا بفرست و شمعون پطرس را دعوت کن تا به اینجا بیاید او در خانه شمعون چرم ساز که خانه اش در ساحل دریاست، مهمان است.

^{۳۳} « پس بی درنگ به دنبال شما فرستادم و شما نیز لطف کرده، زود آمدید. اینک منتظریم که بدانیم خداوند چه فرموده است تا به ما بگویید»

^{۳۴} آنگاه پطرس جواب داد: «حالا می فهمم که فقط یهودیان محبوب خدا نیستند!

^{۳۵} بلکه هرکس از هر نژاد و قومی که خدا را بپرستد و کارهای نیک بکند، مورد پسند او واقع می شود.

^{۳۶} و ^{۳۷} شما یقیناً از آن بشارت و مژده ای که خدا به قوم اسرائیل داده آگاه می باشید، یعنی این مژده که انسان می تواند بوسیله عیسی مسیح که خداوند همه است، بسوی خدا باز گردد. این پیغام و این وقایع، با تعمیم یحیی آغاز شد، و از جلیل به تمام یهودیه رسید.

^{۳۸} و بدون شک می دانید که خدا عیسی ناصری را مسیح تعیین کرد و با روح القدس و قدرت خود به این دنیا فرستاد. او به همه جا می رفت، کارهای نیک انجام می داد و تمام کسانی را که اسیر ارواح ناپاک بودند شفا می داد، زیرا خدا با او بود.

^{۳۹} «و ما رسولان شاهد تمام اعمالی هستیم که او در سرتاسر اسرائیل و در اورشلیم انجام داد و در همان شهر بود که او را بر صلیب کشتند.

^{۴۰} و ^{۴۱} ولی سه روز بعد، خدا او را زنده کرد و او را به شهادتی که از پیش انتخاب کرده بود ظاهر فرمود. البته همه مردم او را ندیدند، بلکه فقط ما که بعد از زنده شدنش، با او خوردیم و نوشیدیم، شاهد این واقعه عظیم بودیم.

^{۴۲} و خدا ما را فرستاد تا این خبر خوش را به همه بدهیم و بگوئیم که خدا عیسی را تعیین نموده تا داور زندگان و مردگان باشد.

^{۴۳} تمام پیامبران نیز در کتاب آسمانی ما نوشته اند که هرکس به او ایمان بیاورد، گناهانش بخشیده خواهد شد.»

^{۴۴} هنوز سخن پطرس تمام نشده بود که روح القدس بر تمام شنوندگان نازل شد!

^{۴۵} یهودیانی که همراه پطرس آمده بودند، وقتی دیدند که روح القدس به غیر یهودیان نیز عطا شده است، مات و مبهوت ماندند.

^{۴۶} و ^{۴۷} ولی جای شک باقی نماند، چون می شنیدند که همه به زبانهای مختلف سخن می گویند و خدا را تمجید می کنند.

آنگاه پطرس گفت: «اکنون که ایشان مانند ما روح القدس را یافته اند، آیا کسی می تواند بمن اعتراض کند که چرا تعمیمشان می دهم؟

^{۲۸} پس بنام عیسی مسیح ایشان را غسل تعمید داد. آنگاه کرنیلیوس التماس کرد که پطرس چند روزی نزد آنان بماند.

در این مثال ما می‌بینیم که چگونه فرشتگان در یک کار مهم شرکت می‌کردند. پطرس و دیگر رسولان تصور می‌کردند که نجات تنها برای یهودیان است. ولی خدا بخاطر محبت خود، می‌خواست که همه مردم قادر به دریافت رحمت و آمرزش او باشند یک فرشته نزد یک افسر رومی فرستاده شد که برخلاف مقررات و قوانین یهودیان، بت پرست بود. این فرشته تنها حامل یک پیام بود ولی مطمئن شد که پطرس خواهد آمد و تورات و انجیل را موعظه خواهد کرد.

رابطه بین شما و فرشتگان

مزامیر ۱۰۳: ۲۰

ای همه فرشتگان توانا که گوش به فرمان خداوند هستید تا دستوراتش را اجرا نمایید، او را ستایش کنید!

عبرانیان ۱: ۱۳-۱۴

^{۱۳} خدا به فرزندش فرمود: « در کنار من بنشین تا دشمنانت را زیر پاهایت بیفکنم. » اما خطاب به هیچ فرشته‌ای چنین نگفت.

^{۱۴} زیرا فرشته‌ها فقط روح‌هایی خدمتگزار هستند، و برای کمک و مراقبت از کسانی فرستاده می‌شوند که مایلند نجات الهی را دریافت نمایند.

فرشتگان در مقایسه با فرزندان خدا، یعنی من و شما که دوباره متولد می‌شویم، در درجه پایین تری قرار دارند. بنابراین ما نباید به دنبال جلب توجه کردن آنها باشیم. اگر کسی فرشته‌ای را دیده باشد، تصور نکنید که اتفاق خیلی مهم یا قابل توجهی افتاده است.

اگر شما به فرشتگان و وحی بسیار توجه می‌کنید، و این موضوع همه چیزهای دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد، مشکلی در کارتان وجود دارد. به آنچه که پولس می‌گوید گوش کنید:

کولیسان ۲: ۱۸-۱۹

^{۱۸} هرگز تحت تاثیر سخنان اشخاصی قرار نگیرید که به قول خودشان، رویاهای آسمانی می‌بینند و ظاهراً خیلی فروتن هستند و فرشتگان را می‌پرستند. اینان که می‌خواهند خود را مقدس تر از شما جلوه دهند، چنان سرمست افکار انسانی خود شده‌اند.

^{۱۹} که ارتباط خود را با مسیح که «سر» همه ماست، بکلی از دست داده‌اند. در حالیکه اگر ما که «بدن» هستیم، بخواهیم آنطور که خدا مقرر کرده، رشد کنیم، باید بوسیله رگ و پی، پیوند خود را با «سر» نگه داریم.

یکی از دوستانم به هند رفت. او در یک گروه آیی که در آن تعداد زیادی در حال لمس کردن قدرت خدا برای نجات بودند، خدمتگزاری می‌کرد. بعد از گروه آیی وقتی آنها به خانه آمدند، با گروهی از جوانان روبرو شدند که انواع گوناگون از سلاحها را در دست داشته و فریاد می‌زند «مرگ بر کشیش» او به خاطر آورد که چگونه او در کشور خود قبل از رفتن به هند شنیده بود که زنی این جملات را می‌گفت «وقتی جوانان فریاد زدند «مرگ بر کشیش» دوست او زمزمه کرد «کارمان تمام است. ما در معرض خطر هستیم!» دوستم گفت: «آرام باشید» سپس به آرامی شروع به پرستش عیسی مسیح نمود.

ناگهان فرشته‌ای بزرگ با یک شمشیر ظاهر شد و پسران وحشت زده شدند. «بیاید برویم اینجا خطرناک است»

از آن موقع به بعد، خانه کشیش امن شد.

خدا بسیار شگفت آور است و شما را دوست دارد. شما که در ایران هستید با مشکلات و موقعیت های سختی روبرو می شوید. ممکن است احساس تنهایی و انزوا کنید.

اولین چیز و مهمترین چیز این است که عیسی مسیح از طریق روح خود، در شماست. او قول داده است که هیچگاه شما را ترک نمی کند. همچنین انبوهی از فرشتگان در اطراف شما هستند شما نمی توانید آنها را ببینید ولی آنها در آنجا هستند.

با درود فراوان

کشیش و دوست شما

آزمون

- ۱- شیطان در یوحنا ۱۰:۱۰ به چه نام خوانده می شود؟
 - ۲- پطرس می گوید که شیطان به این سو و آن سو می رود مانند:
الف) شیر غرآن ب) دزد ج) قاتل
۳- پطرس می گوید که ما باید:
الف) هشیار و بیدار باشیم ب) قوی و انعطاف پذیر باشیم
ج) سریع و فعال باشیم
 - ۴- چه موقع شیطان خلق شد؟
الف) از ابتدای خلقت ب) بعد از خلقت انسان
 - ۵- نام دو فرشته مقرب بجز شیطان را ذکر کنید؟
 - ۶- امروزه شیطان از چه سلاحی استفاده می کند؟
- پاسخ خود را در صفحه اصلی نوشته و از طریق اینترنت ارسال نمایید.